

بررسی تطبیقی وجود حمل در ناحیه عقد الوضع یا قید موضوع

سید محمد مرویان حسینی^۱

چیکده

«حمل اولی و شایع»، یکی از رهیافت‌های حکمت متعالیه در پاسخ به ابهامات و اشکالات گزاره‌های فلسفی به تحلیلی منطقی است. در استعمال این دو حمل تا قبل از مرحوم مظفر، شیوه واحدی رعایت شده اما ایشان در کتاب «المنطق» این دو حمل را در معنایی دیگر مضاف بر استعمالات گذشته، بکار برده‌اند. ترکیب دو معنای حمل اولی و شایع، اثر بسزایی در ادراک و فهم مسائل دارد. در این مقاله ضمن بازخوانی برخی دیدگاه‌ها، با روشی تطبیقی میان دو نگاه، نظریه مرحوم مظفر در جهت عقد الوضع خواندن یا به قید قضیه خواندن حمل اولی و شایع، تبیین شده است. سپس اشکالی به وجود حمل در ناحیه موضوع مطرح شده و پس از تحلیل معنای حمل اولی و شایع، تلاش شده تا پاسخی به آن اشکال بیان شود.

کلیدواژه: حمل اولی ذاتی، حمل شایع صناعی، حمل در عقد الوضع، مرحوم مظفر

۱/۱. تبیین مسأله و ضرورت آن

گرچه بحث از وجود ذهنی در بین متأخرین فلاسفه اسلامی شایع است اما قدمائی چون شیخ الرئیس، بهمنیار و نیز شیخ اشراق، اشاراتی به این موضوع داشته‌اند. (طباطبائی، ۱۳۹۵، ۵۰) همچنین قبل از پدید آمدن حکمت متعالیه، به موجب مفروض دانستن ادراک انسان از عالم واقع در فلسفه مشاء و اشراق، بحث مفهوم و مصداق و نیز آثار و لوازم هر یک آنگونه که در حکمت متعالیه مورد توجه واقع شد، واکاوی نشده بود. اما با بررسی وجود و ماهیت و بحث از اصالت هر یک، مباحث جدیدی در تبیین مفهوم و انتزاع آن از مصداق مطرح گردید. (ن.ک: میرداماد، ۱۳۷۶ و ۱۳۸۱)

یکی از مهمترین ره‌یافت‌های حکمت متعالیه، به‌کارگیری صحیح مفهوم و مصداق و به تبع دوری از خلط آن دو است. مسأله وجود ذهنی و معدوم مطلق از جمله مباحثی است که صدرالمتألهین به برکت حمل اولی ذاتی و شایع صناعی در تمایز حاکی و محکی عنه، پاسخ داده است. (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱، ۱: ۳۰۹) بنابراین جایگاه حمل اولی و شایع در فلسفه اسلامی خصوصاً حکمت متعالیه امری غیرقابل انکار است. آنچه در این مقاله ذکر می‌شود، طرح یک اشکال و بیان پاسخ آن با بررسی تطبیقی نظریات یادشده می‌باشد.

با بررسی نظرات شارحان حکمت متعالیه در این بخش، می‌توان به تعارضاتی ظاهری در تطبیق حمل اولی ذاتی و شایع صناعی، دست‌یافت که به عقیده حجتی و زراعت پیشه، این امر ناشی از غفلت معنای دو اصطلاح مذکور و عدم توجه به اشتراک لفظی، می‌باشد... (حجتی و زراعت پیشه، ۱۳۹۰، ۳۴) به طور مثال مرحوم علامه طباطبائی در «بدایة الحکمة» می‌فرماید:

«و المعدوم المطلق، معدوم مطلق بالحمل الأولی و لا یخبر عنه، و لیس بمعدوم مطلق بل موجود من الموجودات الذهنیة، بالحمل الشائع، و لذا یخبر عنه بعدم الإخبار عنه فلا تناقض» (طباطبائی، ۱۴۳۳، ۱۸۴)

اما ایشان در «نهایة الحکمة» در همین باب خلاف این قضیه را صادق دانسته و نوشته‌اند:

«المعدوم المطلق بالحمل الشائع لا یخبر عنه، و بالحمل الأولی یخبر عنه بأنه لا یخبر عنه» (همو، ۱۴۳۳، ۳۵)

برای حل چنین تعارضاتی، مقالات متعددی در تبیین معنای حمل اولی ذاتی و شایع صناعی نوشته شده‌است. برخی حملی اولی و شایع^۱ را در دو ناحیه عقد الوضع و عقد الحمل تفکیک نموده (مصباح یزدی، ۱۴۰۵، ۵۱) و برخی دیگر به مخالفت از دیدگاه پیشین، هر یک از عقد الوضع و قید موضوع را بجای دیگری استعمال کرده‌اند. (آیت الهی و انواری، ۱۳۸۴، ۶۱) همچنین در مقاله‌ای در مقام تحلیل و تبیین، این دو حمل را به قید موضوع و گزاره بیان کرده و تفاوت‌های قید موضوع با عقد الوضع را متذکر شده‌اند. (حجتی و زراعت پیشه، ۱۳۹۰، ۳۶)

گرچه پس از مطالعه چنین مقالاتی، مسائل و ابهامات متعددی پیش می‌آید، اما از آنجایی که نگارنده توانایی محدودی دارد، به یک مسأله بسنده می‌شود. سؤال اساسی که در این مجال مطرح می‌گردد این است که آیا تعبیر «حمل» در ناحیه عقد الوضع و حتی به تعبیری «حمل» به قید موضوع، صحیح و معتبر است یا خیر؟ آیا عقد الوضع، دارای یک نسبتی است و در آن حملی صورت می‌پذیرد یا خیر؟

۱/۲. پیشینه و روش تحقیق

در رابطه با حمل اولی و شایع، مقالات بسیاری نوشته شده تا زوایا و ابعاد این گونه حمل را تحلیل و تبیین گردد؛ از جمله:

- بررسی دو قول به ظاهر متناقض در باب حمل‌های اولی ذاتی و شایع صناع (آیت الهی و انواری، ۱۳۸۴)
- چپستی حمل ذاتی اولی و حمل شایع صناعی (ابوترابی، ۱۳۸۸)
- حمل اولی و شایع، به قید قضیه و به قید موضوع و فروگاهی معنای دوم به معنای اول (فلاحی و ابطحی، ۱۳۸۹ الف)

- کاربردهای نادرست حمل اولی و شایع (همو، ۱۳۸۹)
 - حمل اولی و حمل شایع به عنوان قید موضوع و قید گزاره (حجتی و زراعت پیشه، ۱۳۹۰)
 - بررسی تطبیقی قضایای تحلیلی و ترکیبی کانت با حمل اولی و حمل شایع در نظر علامه مصباح یزدی (سروش و صناعی، ۱۳۹۱)
 - مطالعه تطبیقی حمل اولی ذاتی و حمل شایع صناعی از دیدگاه ملاصدرا و علامه طباطبایی (قاضی و موحد، ۱۳۹۳ الف)
 - پای سخن استاد (ع): تمایز حمل اولی و شایع (فیاضی، ۱۳۹۶)
 - جایگزینی برای تمایز میان حمل اولی ذاتی و حمل شایع صناعی در حل معضلات فلسفی (اصلائی، ۱۳۹۸)
- چنان که پرواضح است در هر یک از این مقالات به موجب تبیین مسأله خود، حمل اولی و شایع بررسی و اشاراتی تلویحاً به مسأله اساسی این مقاله شده اما پاسخ صریح و روشنی داده نشده است. در این مقاله پس از ذکر مقدماتی در واکاوی معنای حمل و تعریف حمل اولی و شایع، اشکالی طرح و پس از آن با بررسی تطبیقی میان برخی مقالات و منابع منطقی به تبیین معنای عقد الوضع و «حمل» به قید موضوع پرداخته و در نهایت پاسخ آن اشکال - به حول و قوه الهی - بیان خواهد گردید.

۲. واکاوی معنای حمل و اقسام آن

۲/۱. تعریف حمل

«قضیه» و «حمل» در منطق، به واسطه تأثیر بسزایی که در ادراک و تحلیل انسان از واقع دارد و در علم تصدیقی او منعکس می‌شود، بسیار مهم است. به کمک «حمل» می‌توان رابطه بین اشیاء را تشخیص داد.

«حمل» به طور کلی، دو معنای متفاوت دارد و مشترک لفظی بین «حمل مواطات» و «حمل اشتقاق» است. (نصیرالدین طوسی، ۱۳۶۷، ۱۸؛ ابن سینا، ۱۴۰۳، ۳۱) آنچه در دانش منطق، معتبر است، «حمل مواطات» یا «حمل هو هو» بوده و اطلاق در تعبیر واژه «حمل» به همین معنا می‌باشد. (همو، ۱۴۰۳، ۳۲) حملی که در آن محمول به موضوع نسبت داده می‌شود، به طوری که محمول همان موضوع باشد؛ یعنی یک رابطه این‌همانی میان این دو برقرار باشد، «حمل مواطات» است. در صورتی که محمول به موضوع نسبت داده شود اما برای برقراری این نسبت نیازمند واسطه‌گری باشد، «حمل اشتقاق» یا «ذو هو» می‌باشد.ⁱⁱ شیخ الرئیس در توضیح مختصر این دو معنا در شفاء نوشته است:

«و الحمل علی وجهین: حمل مواطأة، كقولك: زيد إنسان؛ فإنَّ الإنسان محمول علی زيد بالحقیقة و المواطأة؛ و حمل اشتقاق، كحال البیاض بالقیاس» (همو، ۱۴۰۵، ۲۸)

در تبیین مرز دقیق این دو حمل، اقوال متعددی مطرح است که مجال بررسی آن در این مقاله نیست. (ن.ک: ملکیان، ۱۳۸۶) اما آنچه ما برای ادامه بحث نیازمند هستیم، تفکیک و توجه به اشتراک لفظی میان این دو حمل است.

لازم به ذکر است که در حمل منطقیⁱⁱⁱ لزوماً باید یک جهت اتحاد و یک جهت اختلاف باشد تا حمل فایده داشته باشد. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۳، ۱۰۲؛ سبزواری، ۱۳۶۹، ۲: ۳۹۰) چرا که تا حمل هوهویت و اتحاد میان مفاهیم را برقرار نکند، نمی‌توان میان ماهیاتی که مثار کثرت هستند، مقایسه‌ای انجام داد. (ن.ک: قاضی و موحد، ۱۳۹۳) لذا حمل مواطات از عوارض وحدت و اتحاد بوده و اتحاد نیز از عوارض وجود است و با آن تساوق دارد. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۶، ۱۰۳) همچنان که وحدت از عوارض وجود است، غیریت از عوارض کثرت است و تنها از مجرای وجود است که اتحاد حاصل می‌شود. و البته که این وجود چه ذهنی باشد، چه خارجی. یعنی چه در ذهن این اتحاد را برقرار کند چه در خارج. (همو، ۱۹۸۱، ۲: ۹۲) حمل در اصل مناط وحدت و یگانگی بین دو مفهوم متغایر است. مفاهیم از آن حیث که حد و مرز خاص خود را دارند، مغایرند و این حمل است که وحدت میان آن‌ها برقرار می‌سازد. (زنوزی، ۱۳۷۸، ۲: ۳۵)

براساس اینکه اتحاد میان موضوع و محمول به چه کیفیتی باشد، اقسام حمل متفاوت است. (شهابی، ۱۳۶۴، ۶۰) گرچه تقسیمات دیگری نیز برای حمل، مطرح است (طباطبائی، ۱۴۳۳، ۱۸۵) در ادامه به اقسامی که مرتبط با بحث می‌باشد، پرداخته و نسبت به مابقی اقسام، حرفی به میان نخواهد آمد.

۲/۲. معانی حمل اولی و شایع

اگر اتحاد میان موضوع و محمول در وجود مصداقی آن دو باشد؛ یعنی مصداقا در یک مورد اجتماع داشته باشند، «حمل شایع» یا «حمل متعارف» نامیده می‌شود. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۲، ۱۷۵) اما اگر مضاف بر این اتحاد وجودی مصداقی، اتحاد مفهومی ذهنی باشد، آن را «حمل اولی ذاتی» یا «حمل غیر متعارف» می‌نامند. (همو، ۱۹۸۱، ۱، ۳۰۲-۲۸۶)

البته علامه مصباح در بیان تفاوت وحدت و اتحاد ذیل این بحث نکته‌ای را گوش‌زد می‌فرماید:

«مضمون حمل شایع، اتحاد موضوع و محمول در خارج یا در مرتبه پایین‌تر ذهن که به منزله خارج تلقی می‌شود، بوده و طبعاً ملاک وحدت، باید امری عینی و حقیقی باشد. اما در حمل ذاتی اولی، سخن از اتحاد یا به تعبیری دقیق‌تر «این‌همانی» مفاهیم است و وجود خارجی مصداق و حتی وجود مفاهیم موجود در قضیه، اصلاً مورد ملاحظه نیست. در اینجا تنها اتحاد و این‌همانی مفاهیم در حمل، کافی است.» (مصباح یزدی، ۱۳۹۳، ۱: ۲۴۹)

حمل اولی و شایع مذکور، یکی از اقسام حمل مواطاة بوده (زنوزی، ۱۳۷۸، ۲: ۴۱) که امروزه از آن در مقالات، «به قید قضیه» (فلاحی و ابطحی، ۱۳۸۹، ۷) یا «عقد الحمل» یاد می‌شود. (آیت‌اللهی و انواری، ۱۳۸۴، ۵۷) اما مضاف بر این معنا، مرحوم مظفر، حمل اولی و شایع را در باب تصورات ذیل «عنوان و معنون» به گونه‌ای متفاوت و در معنایی دیگر مطرح می‌کند (مرحوم مظفر، ۱۳۸۰، ۷۸) که از آن «به قید موضوع» یا در نگاهی دیگر «عقد الوضع» یاد می‌شود. (ن.ک: اصلانی، ۱۳۹۸؛ حجتی و زراعت پیشه، ۱۳۹۰)

در توضیح بحث، باید توجه داشت که مصداق می‌تواند اعم از ذهن و خارج باشد و صرفاً به معنای وجود خارجی نیست. بلکه هر وجود ذهنی می‌تواند مصداق خود مفهوم همان وجود واقع شود. در واقع وجودی واحد از حیث مفهوم و از حیث مصداق است. بدین معنا، اگر حیثیت حکایت‌گری نشانه گرفته شود، نقش آن مفهوم بوده اگر حیثیت تطابق و فردیت آن نشانه رود، مصداق خواهد بود. لذا است که در تعریف مفهوم کلی و جزئی، قید بالفرض مطرح شده و شریک الباری نیز مفهوم کلی خوانده شده است. چرا که فرض و صورت جعلی شریک الباری از آن جهت که حکایت‌گری می‌کند، مفهوم شریک الباری است و از آن جهت که خود مدلول و فرد واقع می‌شود، مصداق شریک الباری است. (مرحوم مظفر، ۱۳۸۰، ۷۱) اکنون اگر مفهوم را در ذهن بدون جنبه حکایت‌گری لحاظ کنیم، -نه به این معنا که حکایت نکند! بلکه حیثیت حکایت‌گری آن را نادید بگیریم؛ به تعبیر مرحوم سبزواری به حکم اعتبار العدم لا عدم الاعتبار- و حکم را بر همین مفهوم صرفاً بدون نظر به مصادیقش، نسبت دهیم، «حمل اولی» به قید موضوع خواهیم داشت.

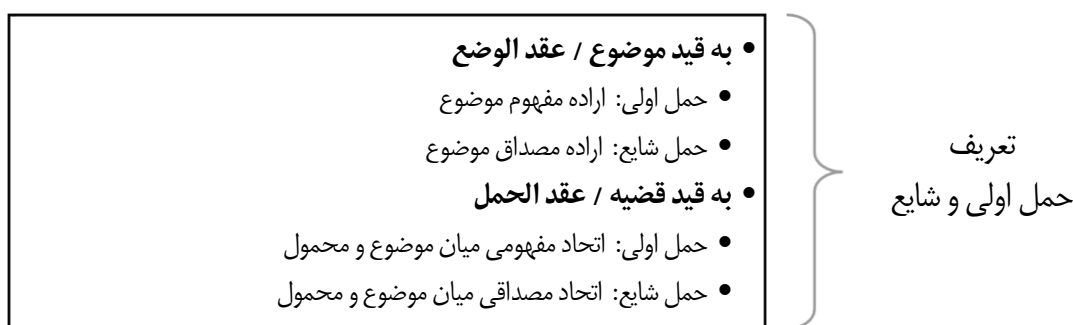
براساس نظر مرحوم مظفر، در بعضی قضایا، محکوم علیه مفهومی هستند که اشاره به مصادیق دارند و فانی در آن مصادیق هستند؛ اما گاهی همان مفاهیم بدون آنکه همانند یک آئینه عمل کنند و اشاره‌ای به مصادیق داشته باشند، در قضایایی موضوع واقع می‌شوند. (مرحوم مظفر، ۱۳۸۰، ۷۳) بنابراین اگر محمول بر مفهوم موضوع نسبت داده شود؛ یعنی محکوم علیه مفهوم موضوع باشد، «حمل اولی» است اما اگر مراد از موضوع، مصادیق آن باشد، «حمل شایع» است. لذا برای تشخیص صحیح در معنای دوم می‌بایست قبل از موضوع، واژه «مصادیق» را اضافه کرد، اگر مراد از نسبت محمول به موضوع، با در نظر گرفتن مصادیق موضوع، باشد، «حمل شایع» اما اگر بجای واژه «مصادیق»، واژه «مفهوم» به موضوع اضافه شود و اراده شده باشد که محمول، بر آن مفهوم موضوع، نسبت داده شود، «حمل اولی» خواهد بود.

پس از تصریح علامه مظفر به حملی اولی و شایع، در دو بخش از کتاب النطق، نظریات متعددی مطرح گردیده است. یک دیدگاه این است که هر یک از این دو حمل دو کاربرد متفاوت داشته (مصباح یزدی، ۱۳۹۳، ۱: ۶۲) و در قضیه محصوره در دو ناحیه عقد الوضع و عقد الحمل، بکار می‌رود. (شهبازی، میرزا محمود، ۱۳۶۴، ۲۳۶) بدین صورت، هر قضیه دو حمل در دو ناحیه خواهد داشت که صحت و سقم آن به حسب ایجاب و سلب متفاوت خواهد بود. توضیح و تفصل این مطلب خواهد آمد.

در عین حال برخی دیگر معنای دوم را صرفاً یک تفکیک مفهومی-مصادقی دانسته و معتقدند اینگونه تعبیر، استعمال لفظ در خارج از اصطلاح خود است؛ چرا که این تفکیک، بالذات وصف تصویری موضوع می‌باشد لذا است که مرحوم مظفر تعبیر به «العنوان و المعنون» می‌کند بخلاف معنای اول، که حقیقتاً وصف حمل و گزاره است. (حجتی و زراعت پیشه، ۱۳۹۰، ۳۶)

برخی با استفاده از طرح ارزش قضایای محصوره و نفی قضایای طبیعی و شخصیه در منطق، تلاش کردند حمل اولی و شایع در عقد الوضع را به کلی مردود شمرده و غیرقابل طرح بنمایند. اینان با استناد به اینکه قضیه طبیعی بدون ملاحظه افراد بوده و بر طبیعت حکم می‌کند در حالی که طبایع درضمن افراد موجود بوده و خود به خود تحقیقی ندارند (ابن سینا، ۱۳۲۸، ۱۳)، قضایای طبیعی که مصادق حمل اولی در عقد الوضع، هستند را غیرمنطقی خوانده‌اند. (آیت‌اللهی و انواری، ۱۳۸۴، ۱۹)

در جمع‌بندی دیدگاه مرحوم مظفر، می‌توان نسبت این دو معنا را عموم خصوص من وجه دانست (فلاحی و ابطی، ۱۳۸۹ الف، ۷) و در نمودار زیر نمایش داد:



اشکالی که به چنین تحلیلی می‌شود و ما در این مقاله به دنبال پاسخ آن هستیم این است که آیا در ناحیه عقد الوضع، حملی جریان دارد و نسبتی برقرار است که تعبیر به حمل اولی یا شایع شده است؟ آیا فارق از اینکه مرحوم مظفر از اصطلاح قوم خارج شده است، بیان صحیحی داشته یا خیر؟

در پاسخ به این سؤال، می‌توان از قاعده فرعیه کمک گرفت و اینگونه تبیین نمود که هر قضیه مرکبه‌ای که در آن حملی صورت گرفته باشد، لاجرم می‌بایست موضوع آن موجود باشد ولو به وجود ذهنی. لذا هرگاه گفته می‌شود «انسان حیوان ناطق است»، چنین تحلیل می‌شود که «هر انسان موجود مفهوماً، با حیوان ناطق اتحاد مفهومی دارد.» و نیز در مثال «انسان راه رونده است»، گفته می‌شود «هر انسان موجود مصادقاً، با راه رونده اتحاد مصادقی دارد.»

در تبیین پاسخ مذکور باید متذکر شد این مطلب، پاسخ ابتدایی نگارنده بوده اما پس از مطالعه بیشتر و فحص در آثار صدرالمتألهین، پی به بطلان آن در خصوص قضایای حمل اولی در عقد الحمل برده شد. چرا که صدرالمتألهین در تعلیقات خود، سه مورد را از حکم به ضرورت وجود موضوع، استثناء می‌کند. (ن.ک: صدرالدین شیرازی، ۱۳۹۴) لذا به گونه‌ای دیگر درصدد طرح پاسخ یا پذیرش اشکال برآمده و منابع مختلفی بررسی شد.

۳. تطبیق حمل اولی و شایع در قضایای منطقی

با توجه به نمودار تعریف هر یک از دو حمل در دو ناحیه، در تحلیل هر قضیه مرکبه می‌بایست دو حمل اولی و شایع یافت شود؛ به طوری که یکی در ناحیه عقد الوضع و دیگری در ناحیه عقد الحمل باشد. یعنی چنین خواهد بود که هرگاه گفته می‌شود «هر الف ب است»، باید این گزاره تحلیل شود به «هر الف - به حمل اولی یا شایع - ب است - به حمل اولی یا شایع». لذا به حصر عقلی برحسب ایجاب چهار حالت و بلعکس نیز همین گونه خواهد بود.

- (۱) الف - به حمل اولی - ب است - به حمل اولی ؛ انسان حیوان ناطق است یعنی مفهوم انسان، با حیوان ناطق اتحاد مفهومی دارد.
- (۲) الف - به حمل اولی - ب است - به حمل شایع ؛ انسان نوع است یعنی مفهوم انسان، مصداق ذهنی نوع است.
- (۳) الف - به حمل شایع - ب است - به حمل اولی ؛ مثال ندارد و تصوراً محال است که مصداق چیزی، اتحاد مفهومی با چیز دیگری داشته باشد.
- (۴) الف - به حمل شایع - ب است - به حمل شایع ؛ انسان راه رونده است یعنی مصداق انسان، مصداق راه رونده هستند.

لازم به ذکر است آنچه بیان شد، فارق از صادق یا کاذب بودن قضیه بوده و غیر از نظر آقایان آیت الهی و انواری است. چرا که اینان معتقدند، کذب قضیه‌ای با این ترکیب به معنای عدم القضیه یعنی عدم تحقق قضیه است. (ن.ک: آیت الهی و انواری، ۱۳۸۴) در حالی که ما معتقدیم قضیه شکل گرفته اما مطابقت با واقع پیدا نکرده است.

با بیانی دیگر نسبت به حمل شایع در ناحیه عقد الوضع، بخشی از سؤال اساسی این مقاله پاسخ داده می‌شود. قضیه «انسان راه رونده است» اگر به درستی و با نظر به حمل شایع عقد الوضعی آن را تحلیل کنیم، چنین معنا خواهد شد: هر موجودی که مصداق انسان است، راه رونده است. اگر اینگونه تبدیل را صحیح بدانیم، باید ما در ناحیه عقد الوضع به حمل شایع، واقعاً حمل بدانیم تا بتوانیم چنین تحلیل ببریم.

۴. بررسی حمل اولی و شایع به قید موضوع یا عقد الوضع

تعبیر حمل اولی و شایع به عقد الوضع در مقابل حمل اولی شایع به قید موضوع، صرفاً اختلاف در بیان نیست، بلکه عقد الوضع و عقد الحمل صرفاً در قضایای محصوره قابل طرح است (شهابی، میرزا محمود، ۱۳۶۴، ۲۳۶) در حالی که اگر بگوییم حمل اولی و شایع «به قید موضوع»، می‌توان این تفکیک مفهومی - مصداقی را در تمام قضایا حتی در قضایای طبیعی جاری بدانیم. (حجتی و زراعت پیشه، ۱۳۹۰، ۳۶) بنابراین مزیت «به قید موضوع» همین است که شمولیت و فراگیری دارد؛ در حالی که عقد الحمل و عقد الوضع را نمی‌توان در قضیه طبیعی مطرح کرد.

عقد الوضع در

البته سؤالی دیگر مطرح می‌شود که آیا نمی‌توان قضایای طبیعی را از این حیث به قضایای محصوره رجوع داد؟ قطعاً همان گونه که پرواضح است، قضایای محصوره غیر از طبیعی است اما اگر همانند برخی قائل شویم که قضایای حمل اولی این‌همانی به قید موضوع، همان قضایای طبیعی هستند، می‌توان اثبات کرد که هر قضیه طبیعی معادل، یک قضیه محصوره‌ای است که عقد الوضع آن حمل اولی می‌باشد. (فلاحی و ابطی، ۱۳۸۹ الف، یازدهم: ۲۱) به این صورت که قضیه طبیعی «انسان نوع است»، یعنی انسان به حمل اولی نوع است به حمل شایع یا به تعبیری مفهوم انسان مصداق نوع است. پس می‌توان این گزاره را اینگونه تبدیل کرد به «هر مفهومی که انسان است، مصداق نوع است.»

بنابر آنچه گذشت هر یک از قضایای شخیصیه، مهمله که در حکم محصوره است، طبیعی که به محصوره قابل تبدیل است و خود قضایای محصوره، در ناحیه موضوع، عقد الوضع دارند و می‌توان در همان بخش اولیه قضیه نیز، به تحلیل عقل، قضیه‌ای دیگر استنباط کرد.

البته در این میان، اشکالی مبنایی ممکن است طرح گردد که اینگونه تحلیل‌ها را زیر سؤال می‌برد. چرا که برخی معتقدند ملاک در تحلیل داده‌های منطقی در یک گزاره، نص آن گزاره است نه مستنبط آن. به تعبیری وقتی می‌گوییم انسان نوع است، از موضوع که انسان است، نمی‌توان نتیجه گرفت که مراد، هر مفهومی که انسان بر آن صدق کند، بوده است. چرا که در این صورت می‌بایست تمام گزاره‌ها مستند به یک استدلال باشند در حالی که فرق و تمایز میان گزاره و استدلال به همین اراده و مقام بیان آن است. (ن.ک: زراعت پیشه، ۱۳۹۶) به عقیده نگارنده این مطلب نیازمند بحث بیشتری است که ناظر به مباحث زبان‌شناسی می‌باشد؛ لذا در این مختصر نمی‌گنجد.

بنابراین اگر بتوانیم هر طبیعیه به قید موضوع را به محصوره عقد الوضعی تبدیل کنیم، می‌توانیم بگوییم حمل اولی و شایع در ناحیه عقد الوضع، واقعاً حمل است. چرا که اگر مفهوم موضوع یا مصداق موضوع، اراده شده باشد، می‌توان آن را اینگونه تأویل برد و قضیه پنهان آن را آشکار کرد.

آقایان فلاحی و ابطحی در مقاله خویش، فراتر از این مطلب پا نهاده و با منطق مرتبه دوم، ضمن بررسی معادل حمل اولی و شایع به قید موضوع و به قید قضیه، اثبات کرده که این دو با حمل اولی و شایع در عقد الوضع و عقد الحمل، هم‌ارز بوده و در حقیقت دو اصطلاح نیستند و تفاوت ماهوی با هم ندارند. ایشان در پایان قضایای محصوره را به چهار قسم اولی الطرفین، شایع الطرفین و ترکیبی از این دو با فرض وجود بخشی از این‌همانی میان موضوع و محمول تقسیم کرده‌اند. (فلاحی و ابطحی، ۱۳۸۹، ۲۴)

نتیجه گیری

بعد از مرحوم مظفر، عملاً حمل اولی و شایع به اشتراک لفظی در دو معنا استعمال می‌شود. در برخی دیدگاه‌ها این دو معنا خلط شده و منشأ مشکلاتی شده است. معنای اول و متعارف این دو حمل به ترتیب عبارت است از اتحاد مفهومی و اتحاد مصداقی میان موضوع و محمول که از آن به حمل اولی و شایع در «عقد الحمل» یا «به قید گزاره» یاد می‌شود. معنای دوم غیرمتعارف، که مورد اشکال واقع شد، به ترتیب عبارت است از اراده مفهوم موضوع و اراده مصادیق موضوع. گرچه مرحوم مظفر در این مورد جعل اصطلاح نموده اما اصل بحث وی در آثار حکمت متعالیه به راحتی یافت می‌شود.

در این تحقیق، پس از گزارشی از تحلیل و بررسی معانی حمل اولی و شایع و نیز بازخوانی نسبت هر یک در «عقد الوضع» یا «به قید موضوع»، مسأله‌ای طرح شد در صحت تعبیر مرحوم مظفر و تابعان وی به حمل در ذیل بحث «العنوان و المعنون». گاهی مراد از موضوع، مفهوم آن است و گاهی مراد، مصادیق آن؛ به موجب تعبیر این معنا به حمل اولی و شایع اشکالی طرح می‌شود که آیا حقیقتاً در ناحیه موضوع حملی صورت می‌گیرد؟ پاسخی داده شد که اگر این‌همانی ملاک در حمل باشد می‌توان حمل اولی در عقد الوضع در قضایای طبیعی را به قضایای محصوره تبدیل نمود و سپس به تحلیل عقلی حملی در ناحیه موضوع فرض گرفت. در مابقی قضایا نیز همین گونه اگر رجوع به قضیه محصوره داده شوند، حملی در موضوع شکل خواهد گرفت و اینگونه است که «همه آن چیزهایی که الف هستند، ب به آن نسبت داده می‌شود» البته نسبت در صورتی حمل اولی و شایع را به عقد الوضع نسبت دهیم، چنین تحلیلی موجه خواهد بود اما اگر حمل اولی و شایع را به قید قضیه بدانیم، مطلبی دیگر خواهد بود. در پایان اشاره‌ای به امکان بازگشت معنای دوم به معنای اول به نقل از مقاله‌ای طرح گردید.

منابع و مأخذ

۱. آیت اللهی، حمیدرضا و سعید انواری. «بررسی دو قول به ظاهر متناقض در باب حمل های اولی ذاتی و شایع صنایع»، پژوهش های فلسفی-کلامی، ش ۲۴، ۱۳۸۴، ص.
۲. ابن سینا، حسین بن عبدالله. ۱۴۰۳. شرح الإشارات و التنبیهات للطوسی (مع المحاکمات). نقدی بر نوشته ی نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد. ۳ ج. قم: دفتر نشر کتاب.
۳. ———. ۱۳۲۸. منطق المشرقیین. قاهرة: مكتبة السلفية.
۴. ابن سینا، حسین بن عبدالله. ۱۴۰۵. الشفاء: المنطق. ۴ ج. قم: مكتبة آية الله العظمى المرعشي النجفي (ره).
۵. ابوترابی، احمد. «چیستی حمل ذاتی اولی و حمل شایع صنایع»، معارف عقلی، ش ۱۳، ۱۳۸۸، ص.
۶. اصلانی، محمد. «جایگزینی برای تمایز میان حمل اولی ذاتی و حمل شایع صنایع در حل معضلات فلسفی»، معرفت فلسفی جلد شانزدهم، ش ۴ (پیاپی ۶۴)، ۱۳۹۸، ص.
۷. حجتی، محمدعلی و محمود زراعت پیشه. «حمل اولی و حمل شایع به عنوان قید موضوع و قید گزاره»، متافیزیک، ش ۹ و ۱۰، ۱۳۹۰، ص.
۸. زراعت پیشه، محمود. «منطق فازی در قرآن: خلط مستنبط و منصوص»، منطق پژوهی جلد هشتم، ش ۱ (پیاپی ۱۵)، ۱۳۹۶، ص.
۹. زوزی، علی بن عبد الله. ۱۳۷۸. مجموعه مصنفات حکیم مؤسس آقا علی مدرس طهرانی. ۳ ج. تهران: اطلاعات.
۱۰. سبزواری، هادی بن مهدی. ۱۳۶۹. شرح المنظومة (تعليقات حسن زاده). ۵ ج. تهران: نشر ناب.
۱۱. سروش، جمال و علیرضا صانعی. «بررسی تطبیقی قضایای تحلیلی و ترکیبی کانت با حمل اولی و حمل شایع در نظر علامه مصباح یزدی»، آیین حکمت جلد چهارم، ش ۱۴، ۱۳۹۱، ص.
۱۲. شهابی، میرزا محمود. ۱۳۶۴. رهبر خرد. تهران: کتاب فروشی خیام.
۱۳. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم. ۱۳۶۳. المشاعر، ترجمه ی میرزا عمادالدوله. کتابخانه طهوری.
۱۴. ———. ۱۳۶۲. منطق نوین. ۱ ج (بر اللغات المشرقیه فی الفنون المنطقیه). تهران: آگاه.
۱۵. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم. ۱۹۸۱. الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الأربعة. ۹ ج. بیروت: دار إحياء التراث العربي.
۱۶. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم. ۱۳۶۶. الشواهد الربوبیة، ترجمه ی جواد مصلح. تهران: سروش.
۱۷. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم. ۱۳۹۴. شرح حکمه الاشراق به انضمام تعليقات صدر المتألهین. تهران: حکمت.
۱۸. طباطبائی، سید محمد حسین. (۱۳۹۵ هـ ق) ۱۳۹۵. النهایة الحکمة. ۱ ج. قم: موسسه النشر الاسلامی.
۱۹. ———. ۱۴۳۳. بداية الحکمة. قم: مؤسسة النشر الإسلامی.

۲۰. فلاحی، اسدالله و بهاء‌الدین موحد ابطحی. «حمل اولی و شایع، به قید قضیه و به قید موضوع و فروگاهی معنای دوم به معنای اول»، پژوهش‌های فلسفی-کلامی جلد یازدهم، ش ۳ و ۴ (پیاپی ۴۳-۴۴)، ۱۳۸۹ الف، ص.
۲۱. ———. «کاربردهای نادرست حمل اولی و شایع»، فلسفه و کلام اسلامی جلد چهل و سوم، ش ۲، ۱۳۸۹ ب، ص.
۲۲. فیاضی، غلامرضا. «پای سخن استاد (۴): تمایز حمل اولی و شایع»، نسیم خردجلد سوم، ش ۱ (پیاپی ۴)، ۱۳۹۶، ص.
۲۳. قاضی، عزت‌الملوک قاسم و صمد موحد. «مطالعه تطبیقی حمل اولی ذاتی و حمل شایع صناعی از دیدگاه ملاصدرا و علامه طباطبایی»، پژوهش‌های معرفت‌شناختی، ش ۸، ۱۳۹۳ الف، ص.
۲۴. ———. «مطالعه تطبیقی حمل اولی ذاتی و حمل شایع صناعی از دیدگاه ملاصدرا و علامه طباطبایی»، پژوهش‌های معرفت‌شناختی، ش ۸، ۱۳۹۳ ب، ص.
۲۵. مرحوم مظفر، محمد رضا. ۱۳۸۰. المنطق. قدس رضوی.
۲۶. مصباح یزدی، محمد تقی. ۱۴۰۵. «تعلیقه علی نه‌ایة الحکمة». قم: موسسه در راه حق.
۲۷. مصباح یزدی، محمد تقی. ۱۳۹۳. شرح جلد اول الاسفار الاربعه. تهران: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۲۸. ملکیان، محمدباقر. «اقسام حمل و احکام آنه»، معارف عقلی، ش ۵، ۱۳۸۶، ص.
۲۹. میرداماد، محمد باقر بن محمد. ۱۳۷۶. تقویم‌الایمان و شرحه. ۱ ج. تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
۳۰. ———. ۱۳۸۱. مصنفات میر داماد. ۲ ج. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

ⁱ مراد از تعبیر «حمل اولی»، «حل اولی ذاتی» است نه حمل بدون واسطه در عروض و همچنین مراد از «حمل شایع»، «شایع صناعی» است.
ⁱⁱ و بالمواطاة و الاشتقاق فه و ذلک الهو و ذا ذو سمة (سبزواری، هادی بن مهدی، ۱۳۶۹، ۳۹۰)
ⁱⁱⁱ همان طور که ذکر شد، در این مقاله نیز هر گاه «حمل» مطلق ذکر شد، دلالت بر «حمل موافات» یعنی حمل منطقی می‌کند.